

the role of media in commit crime by the cultural criminology analys

Eqbal Mohammadi(Ph.D.)¹
Shima Shahrakii²

 0000-0000-0000-0000
 0000-0000-0000-0000

Abstract

Cultural criminology investigates the cultural causes of abnormality and delinquency. Culture is a complex concept whose definition has been the focus of various researchers and thinkers. The most important role and function of culture is shaping collective and individual behaviors at the level of every society. Meanwhile, the media and the cultures created by them have many effects in the formation of these behaviors. Cell phones, music, television and the like are media tools that are constantly creating or changing culture. Criminal action at the beginning and without considering other solutions shows a weak criminal policy in fighting against cultural deviations, and in this regard, the cultural dangers of the media must be recognized first, and criminal action is the last recommended way. Young people are the most influential group of media productions and cultures created by them.

Keywords: cultural criminology, media, culture, sub-culture.

1- Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science,
University of Tehran, Tehran, Iran mohammadieqbal@gmail.com

2- Master of private law, Ferdowsi university of Mashhad, Iran (Corresponding author)
shima.shahrakii@gmail.com

نقش رسانه در بزهکاری و انحراف‌ها از نگاه جرم‌شناسی فرهنگی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲

اقبال محمدی^۱

شیمیا شهرکی^۲

چکیده

در تحقیقات مربوط به جرم‌شناسی موضوع اصلی تحلیل علت وقوع جرم است، یکی از علل مهم، عامل فرهنگی است. جرم‌شناسی فرهنگی به بررسی علل فرهنگی بروز ناهنجاری و بزهکاری می‌پردازد. فرهنگ مفهومی پیچیده است که تعریف آن مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان مختلفی بوده است. بررسی چرایی شکل‌گیری ناهنجاری بر اساس فرهنگ سؤال مهمی است که جرم‌شناسی فرهنگی در صدد پاسخ به آن است. در این پژوهش نقش فرهنگ به عنوان مفهوم کلی و رسانه به عنوان یکی از کارآمدترین ابزار فرهنگ در شکل‌دهی ناهنجاری بررسی می‌شود. در این بین رسانه‌ها و فرهنگ‌های ایجاد شده توسط آن‌ها در شکل‌گیری این رفتارها اثرهای فراوانی دارند. تلفن همراه، موسیقی، تلویزیون و امثال آن ابزارهای رسانه هستند که مدام در حال ایجاد یا تغییر فرهنگ می‌باشند. برخورد کیفری در ابتدا و بدون توجه به سایر راهکارها نشان از سیاست جنایی ضعیف در مبارزه با انحراف‌های فرهنگی دارد و در این راستا ابتدا باید مخاطره‌های فرهنگی رسانه شناخته شود و مبارزه کیفری آخرین راه پیشنهادی است. جوانان به عنوان تأثیرپذیرترین گروه از تولیدهای رسانه‌ای و فرهنگ‌های ایجاد شده توسط آن‌ها می‌باشند.

واژگان کلیدی

جرم‌شناسی فرهنگی، رسانه، فرهنگ، خرده‌فرهنگ، ارزش جمعی.

۱- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mohammadieqbal@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

shima.shahrakii@gmail.com

مقدمه

فرهنگ از مهمترین مفاهیم هر جامعه است و به‌طور زیربنایی در تمام تعاملات اجتماعی حضور دارد. رسانه‌ها با فراگیری در دنیای امروز توانسته‌اند از مهمترین بسترهای تولید، تغییر یک فرهنگ باشند و در این خصوص ممکن است اعضای جامعه را به‌سمت درستکاری یا انحراف هدایت کنند. فرهنگ در روی دیگر سکه می‌تواند دارای راهکارهای اصلاحی نیز باشد، همچنین آنچه برای برخی از رفتارهای رسانه‌ای به‌عنوان عوامل جرم‌زا بیان می‌شود، می‌تواند دارای شیوه‌های اصلاحی فرهنگی نیز باشد. منتها با ارائه نظریه‌های مطرح در جرم‌شناسی باید ارتباط حوزه فرهنگ با آن‌ها مشخص شود و بسته به مورد ارائه راهکار برای پیشگیری از وقوع یا تکرار یا شیوع جرم صورت پذیرد.

بررسی علل فرهنگی یا عامل‌شناسی فرهنگی جرم را تحت عنوان رشته‌ای نوپا با نام جرم‌شناسی فرهنگی^۱ مطرح کرده‌اند. پایه‌گذار این رشته را می‌توان جف فرل^۲ دانست. جرم‌شناسی فرهنگی شاخه‌ای عام و مادر است که می‌تواند نظریه‌های مختلف و پراکنده جرم‌شناسی را حول محور فرهنگ دربرداشته باشد.

تعاریفی متعددی برای فرهنگ ذکر شده، که بیان خواهد شد، تاریخ، سبک زندگی، رسانه، موسیقی و بسیاری دیگر از این‌گونه موارد نیز از مؤلفه‌های فرهنگ هستند که این مؤلفه‌ها نیز گاهی به‌عنوان علل جرم در رشته جرم‌شناسی فرهنگی معرفی می‌شوند و از موضوع‌های اصلی این رشته هستند. در این پژوهش تاجایی که منجر به خروج از بحث نشود به آن‌ها پرداخته می‌شود، نقش رسانه‌ها و برخی رسانه‌ها در بروز ناهنجاری طرح خواهد شد و بررسی خواهد شد که این ابزارها چگونه به‌عنوان علل فرهنگی جرم شناخته می‌شوند؛ بنابراین بر اساس شناخت رفتار آدمی از روی فرهنگ ابتدا جرم‌شناسی فرهنگی به‌طور مختصر معرفی شده و سپس نظریه‌های این شاخه در باب توضیح چگونگی شکل‌گیری برخی از انحراف‌ها و بزه‌کاری‌ها نزد جوانان بررسی می‌شود. با شناخت علل فرهنگی انحراف‌ها واکنش علیه آن‌ها در قالب سیاست جنایی منسجم و ناظر بر پیشگیری از وقوع و تکرار این انحراف‌ها نیز روشن‌تر خواهد بود؛ بنابراین ضروری

1. Cultural Criminology

2. Jeff Ferrell

است تا از زاویه نظریه‌های فرهنگ این موضوع بررسی شود.

۱- جرم‌شناسی فرهنگی

در میان گرایش‌های مختلف جرم‌شناسی، یکی از گرایش‌هایی که با رشد و اقبال زیادی مواجه شده شاخه جرم‌شناسی فرهنگی است که موضوع جرم را از طریق مقوله فرهنگ و تولیدهای فرهنگی از جمله رسانه بررسی می‌کند؛ لذا با معرفی اجمالی جرم‌شناسی فرهنگی به نقش رسانه در ارتکاب انحراف‌های اجتماعی و جرم پرداخته شود.

تابه‌حال عامل‌های متعددی برای ارتکاب بزهکاری ذکر شده و برای بررسی هر یک از این عوامل نظریه‌هایی نیز مطرح شده است. از نظریه‌های به‌نسبت تازه‌ای که برای عامل‌شناسی فرهنگی جرم ارائه شده است، جرم‌شناسی فرهنگی است. این رشته با در نظر گرفتن نقش عوامل فرهنگی در وقوع، تکرار و یا پیشگیری از جرم ذیل شاخه جرم‌شناسی فرهنگی که از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی است در سال‌های اخیر مطرح شده است (DeKeseredy, 2011, p.51). با رایج شدن جرم‌شناسی انتقادی و توجه به فرهنگ به‌عنوان عامل مهم ارتکاب جرم تغییرهای جدی در فهم عامل جرم بر مبنای عامل‌شناسی فرهنگی ایجاد کرده است (نکایی، ۱۳۹۱، ص ۸). رشته جرم‌شناسی فرهنگی به بررسی نقش فرهنگ در ارتکاب جرم می‌پردازد و می‌کوشد تا عوامل فرهنگی منجر به ارتکاب جرم را معرفی نماید. عوامل متعددی در این زمینه وجود دارد، فیلم‌ها، موسیقی‌ها، تئاترها، داستان‌ها، جشن‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها، هم‌نشینی و بسیاری از موارد دیگر هستند که در رشته جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان عوامل فرهنگی جرم معرفی می‌شوند.

همان‌طور که بیان شد عامل‌شناسی فرهنگی جرم و راه‌های کنترل آن ذیل شاخه‌ای با عنوان جرم‌شناسی فرهنگی^۱ مطرح شده است. مطابق تعریفی که فرهنگ جرم‌شناسی سیج^۲ ارائه داده، جرم‌شناسی فرهنگی عبارت است از: «برآیند شاخه‌ها و نظریه‌هایی که به ارتباطات و تقابل‌های فرهنگ، خرده‌فرهنگ^۳ و جرم و فرایندهای کنترل از آن

1. Cultural criminology

2. The Sage Dictionary of Criminology

3. Subculture

می‌پردازد» (Muncie and Mclaughlin, 2001, p.75). موضوع اصلی این رشته تحلیل تأثیر نقش تصویر و سبک فرهنگی بر جرم و طرح روابط میان خرده‌فرهنگ‌ها و جرم است (Muncie and Mclaughlin, 2001, p.76)؛ لذا مطابق تعریف ارائه‌شده این رشته برآیندی از سایر شاخه‌های جرم‌شناسی است که مؤلفه اصلی آن‌ها فرهنگ است و موضوع اصلی مطالعه آن نیز استفاده از یافته‌های همین رشته‌ها است.

به‌طور خلاصه جرم‌شناسی فرهنگی بر عامل‌شناسی جرم و کنترل آن دلالت دارد و به‌معرفی علل فرهنگی جرم و راه‌های پیشگیری از آن می‌پردازد. جرم‌شناسی فرهنگی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی^۱ است و همچنین در یک تقسیم‌بندی از شاخه‌های جرم‌شناسی سنتی یا ارتدکس^۲ شناخته می‌شود (Ferrell, 2010, pp.304, 308). جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان شاخه‌ای جدید از جرم‌شناسی، با نگرشی بسیار عام در جرم‌شناسی از سال ۱۹۹۵ توسط جف فرل^۳ و ساندرز^۴ به‌طور گسترده در مباحث جرم‌شناسی مطرح و معرفی شد (Ferrell, 2010, p.304). و از سال ۱۹۹۵ تا کنون در کتاب‌های جرم‌شناسی، مجموعه مقاله‌های جرم‌شناسی و دایره‌المعارف‌ها موضوع‌هایی را به خود اختصاص داده است (Ferrell, 2010, p.303).

درواقع جرم‌شناسی فرهنگی رشته‌ای عام و دربردارنده سایر رشته‌هاست و برآیندی از جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و عدالت کیفری است که بر همگرایی آن‌ها در دوره اخیر تأکید دارد. با بررسی و نگاه به مطالعات فرهنگی، نظریه‌های نوین و انتقادی جرم‌شناسی، تضاد در جامعه، احساس‌های مشترک جمعی، تیپ‌شناسی مجرمان، نقش رسانه و مواردی از این قبیل به پدیده مجرمانه و راه‌های جلوگیری از ارتکاب جرم یا تکرار آن می‌پردازد. همچنین در بخشی نیز به سیاست‌های فرهنگی جنایی و کنترل و پیشگیری از جرم^۵ در قالب سیاست جنایی در مفهوم عام می‌پردازد (Muncie and Mclaughlin, 2001, p.75).

هرکجا مؤلفه‌ای فرهنگی در مورد نابهنجاری‌ها و جرائم وجود دارد و هرکجا عاملی

1. Critical criminology
2. Orthodox
3. Jeff Ferrell
4. Sanders
5. Crime prevention

فرهنگی به‌عنوان دلیل جرم معرفی شده است، جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان عامل‌شناسی جرم به آن پرداخته است. در کتاب جرم‌شناسی فرهنگی، فرل و ساندرز (۱۹۹۵)، این رشته را مطالعه تجربه‌های روزانه، سوابق زندگی و برخی از تفریحات (مانند موسیقی و رسانه و...) می‌دانند و این مسئله را مطرح می‌کنند که چگونه و چرا برخی جلوه‌های فرهنگ، به‌عنوان جرم شناسایی می‌شوند. جرم‌شناسی فرهنگی افکار گوناگون را با یکدیگر پیوند می‌دهد تا انطباق و همسویی فرایندهای فرهنگی و جنایی را در زندگی اجتماعی معاصر بررسی کند. این محققان، جرم‌شناسی فرهنگی را گسترش دهنده و احیاکننده جرم‌شناسی می‌دانند نه جرم‌شناسی فرهنگی باعث نفی جرم‌شناسی کلاسیک باشد (Ferrell and sanders, 1995, p.17)؛ لذا عامل‌شناسی فرهنگی جرم نظریه‌ای برآمده از سایر نظریه‌هاست و می‌توان آن را برآیندی از آن‌ها دانست، همان‌طور که در تعاریف این رشته نیز آن را برآیندی از سایر رشته‌ها می‌دانند.

از دیگر موارد حائز اهمیت در این شاخه تمرکز و توجه به فرهنگ عامه‌پسند است و همچنین گسترش ابعاد و مؤلفه‌های مربوط به آن (مثل تأثیرهای رسانه، مهاجرت و ...) در کانون توجه قرار می‌گیرد. پژوهش در زمینه‌های متنوع اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر تعریف، تجلی، کنترل و فهم جرم، ضرورت انتخاب نگاهی متفاوت به مسئله جرم را در این رشته توضیح می‌دهد. مطالعه در این شاخه از جرم‌شناسی از نگاه سنتی فاصله داشته، و زمینه اجتماعی بروز رفتار ناهنجار و فرایندهای مربوط به آن را در دل اجتماع و معادلات فرهنگی آن مورد کاوش قرار می‌دهد. بزهکاری را باید بر مبنای فرایندهای اجتماعی و فرهنگی که خود منفک از ذات بزهکاری عمل می‌کنند، درک کرد. در هر ناهنجاری، تعداد مختلفی از تعاریف، مبانی و موضوع‌های فرهنگی دخیل‌اند (ذکایی، همان، ص. ۱۲). همچنین نگرش انتقادی در جرم‌شناسی فرهنگی، تولیدهای رسانه‌ای (فیلم، کتاب، تصاویر تلویزیونی، فضای مجازی و موارد مشابه) که با فنون معمول تحلیل محتوا و نشانه‌شناسی همخوانی بیشتری دارند را بررسی می‌نماید (Ferrell and sanders, 1995, p.18).

فرل، جرم‌شناسی فرهنگی را شاخه‌ای در راستای پیوند زدن سایر شاخه‌ها و تحقیقات فرهنگی معرفی می‌کند. نکته فوق با توجه به اینکه بیشترین آثار و تحقیقات این رشته

جدید متوجه مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام^۱ در خصوص خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری یا نظریه‌های مربوط به تعارض‌های فرهنگی و رسانه‌ها در پخش و پوشش دادن آمار و نوع بزهکاری می‌باشد، قابل قبول است (نکایی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳)؛ بنابراین، نه تنها رفتار بزهکارانه بلکه صحنه جرم، اطلاعات و اخبار و بازنمایی‌های مربوط به آن نیز دارای اهمیت است. علاوه بر دو سنت انتقادی/پست‌مدرن^۲ و مطالعات فرهنگی، جرم‌شناسی فرهنگی از بخشی از سنت متعارف جامعه‌شناسی که جرم را دارای وجهی برآمده از معادلات اجتماعی می‌داند نیز تأثیرهای زیادی پذیرفته است (نکایی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳)؛ بنابراین این شاخه از جرم‌شناسی مانند کتابخانه‌ای تخصصی که همزمان با تخصصی و مربوط به یک موضوع بودن، در هر قفسه آن تحقیقات و کتاب‌های سایر شاخه‌های جرم‌شناسی که موضوع اصلی آنان فرهنگ است، وجود دارد. این کتابخانه، کتابخانه جرم‌شناسی فرهنگی است. درواقع این رشته به‌جای اینکه به جرم اهمیت دهد به تمام فرهنگ‌ها و عاداتی که فرد را به‌سوی جرم سوق داده است نظر دارد البته عاداتی که جنبه فرهنگی دارد و از تولیدهای فرهنگی نشئت گرفته است (Presdee, 2005, p.16)؛ بنابراین ضروری است تا مفهوم «فرهنگ» طرح شده، کارکرد و آثار آن مورد مذاقه قرار گیرد و سپس نقش آن در تولید بزه مورد بررسی قرار گیرد.

۲- تعریف فرهنگ

در جوامع اروپایی به‌عنوان یکی از جوامعی که بیشترین تحقیق را در مورد فرهنگ انجام داده است، حدود دویست تعریف از فرهنگ ارائه شده است (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲). در این تحقیقات فرهنگ از زوایای گوناگون اجتماعی، دینی و حتی اقتصادی بررسی شده است و نتیجه چنین بوده که فرهنگ بر تمام این مقولات دارای اثر است.

در آغاز سده نوزدهم میلادی مفهوم فرهنگ در مورد ارتقای شخصیت بود و معنایی فردی داشت (به‌ویژه حین آموزش) و بعد از آن متوجه هویت ملی و ایدئال‌های جمعی یک ملت شد. در نیمه سده نوزدهم بعضی از محققان واژه فرهنگ را برای ارجاع به ظرفیت

1. Birmingham school
2. Postmodern

جهان‌شمول بشری اطلاق کردند. ادوارد تایلر^۱ در سال ۱۸۷۱ فرهنگ را با تمدن مقایسه کرد و آن دو را کلیتی درهم تنیده دانست که شامل دین، هنر، اخلاق و هرگونه توانایی است که آدمی می‌تواند به‌دست آورد (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳). «کلاکر^۲» نیز فرهنگ را به‌طور کلی در معنی گنجی سرشار از خلاقیت‌های انسان تلقی کرد. از این‌رو نوشته‌ها، نقاشی‌ها، آثار معماری و نیز علم تطبیق آدمی با محیط و همچنین آداب و ارزش‌های اخلاقی و باید و نبایدها، همگی جزئی از فرهنگ به‌شمار می‌رود. «مای رس^۳» نیز فرهنگ را آن چیزی دانست که از گذشته آدمی به‌جای مانده است و بر حال و آینده او اثر می‌گذارد (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳).

کروبر^۴ و کلاک‌هون^۵ یک‌صد و شصت و چهار تعریف از فرهنگ در زبان انگلیسی پیدا کرده‌اند که از طرف انسان‌شناس‌ها، جامعه‌شناس‌ها، روان‌شناس‌ها، روان‌پزشک‌ها و سایرین عنوان شده است. این دو نفر پس از تجزیه و تحلیل این تعاریف آن‌ها را به شش نوع و طبقه تقسیم کرده‌اند: تشریحی^۶، تاریخی^۷، هنجاری^۸، روان‌شناسی^۹، ساختی^{۱۰} و ژنتیکی^{۱۱} (Spencer-Oatey, 2012, p.1). بدیهی است بررسی همه این تعاریف پژوهشی خاص خود را می‌طلبد، و برای شناخت ماهیت فرهنگ استفاده از چند تعریف جامع کفایت خواهد کرد.

در سده بیستم میلادی «فرهنگ» به‌عنوان مفهومی اساسی در علم انسان‌شناسی مطرح شد که تمام پدیده‌های انسانی را احاطه می‌کرد نه اینکه صرفاً محصول ژنتیک باشد. عبارت «فرهنگ» به‌خصوص در مباحث انسان‌شناسی دارای دو معنا بود: ۱. ظرفیت رشدیافته انسان در خصوص تقسیم‌بندی و بیان تجربیات مرتبط با نمادها و کنش همراه با تعقل و نوآوری؛ ۲. راه‌های مشخصی که در نقاط مختلف دنیا انسان بر مبنای آن

1. Edward Taylor
2. Klacker
3. Mayros
4. Kroeber, A.L.
5. Kluckhohn, C.
6. Descriptive
7. Historical
8. Normative
9. Psychological
10. Structural
11. Genetic

زندگی و تجربیات خود را به طرق مختلف بیان می‌کند و به‌شکلی خلاقانه دست به کنش می‌زنند. پس از جنگ جهانی دوم این اصطلاح - اگرچه با معانی مختلف - بااهمیت بیشتری در دیگر رشته‌ها و حوزه‌های علمی مثل جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، روان‌شناسی سازمانی و علوم مدیریتی برخوردار شد (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴)؛ لذا در تعاریف این سده نیز مانند تعاریف سده نوزدهم سائق بودن فرهنگ به‌عنوان هدایت‌کننده رفتارهای آدمی، نقش پررنگی دارد.

تعریف شاین ضمن یکپارچه کردن تعاریف مختلف ارائه‌شده از فرهنگ، ابزاری برای کشف و درک فرهنگ بیان می‌کند. بر اساس این تعریف، فرهنگ مجموعه‌ای است از رفتارها، ساخته‌ها، ارزش‌ها و باورها، نظام‌های معنا و روش‌های یادگیری مشهود و نامشهود؛ مثلاً هنر و معماری، نمادها و آیین‌ها که در ساخته‌های دست بشر متجلی می‌شوند، صریحاً و تلویحاً نمایانگر فرهنگ هستند (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵). مطابق نظر شاین، فرهنگ را می‌توان از جلوه‌های آن درک کرد؛ مثلاً تئاترهای اجراشده در شهر پاریس در دهه نوزدهم میلادی بار فرهنگی خاص را برای مردمان شهر داشتند (kalifia, 2005, p.364)؛ لذا تمامی تولیدهای فرهنگی یک جامعه را می‌توان ابزارهای درک فرهنگ دانست.

در خصوص کارکرد و نحوه تأثیر فرهنگ دو دیدگاه مهم در باب چگونگی شکل‌گیری رفتار بر اساس فرهنگ را ارائه می‌کنیم، این دو دیدگاه عبارت‌اند از: فرهنگ به‌عنوان ارزش جمعی جامعه و فرهنگ به‌عنوان جعبه ابزار. به طرح این دو نظریه می‌پردازیم تا بر اساس آن‌ها بتوان تحلیلی برای ناهنجاری‌های فرهنگی و ناهنجاری‌هایی که معلول فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها هستند، ارائه نمود.

۳- فرهنگ به‌عنوان ارزش جمعی جامعه

نگاه سنتی به فرهنگ، فرهنگ را مقوله‌ای اجتماعی می‌داند و آن را در دل جامعه بررسی می‌کند؛ لذا، ابتدا باید تعریفی از فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناختی ارائه شود. تعدادی از رویکردها، فرهنگ را تا حدی از طریق تفکیک آن از سیر مفاهیم تحلیل جامعه‌شناختی

تعریف می‌کنند. از این‌روست که برخی از جامعه‌شناسان سخن از تفاوت میان فرهنگ و جامعه به میان می‌آورند. رویکردهای دیگر تفکیک‌های درونی فرهنگ را مطرح می‌کنند؛ مثلاً فرهنگ «عالی» در برابر «فرهنگ توده‌ای» یا فرهنگ عامه و فرهنگ «مادی» در برابر فرهنگ «نمادین» (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲). در این نگاه، عده‌ای معتقدند بسیار سودمند است که مفهوم فرهنگ را برای اکثر کاربردها به‌گونه‌ای دقیق‌تر از آنچه تاکنون در رشته انسان‌شناسی آمریکایی^۱ معمول بوده است تعریف کنیم و آن را به‌عنوان محتوای انتقال‌یافته و ایجادشده و الگوهای ارزش‌ها، عقاید و سایر نظام‌های نمادین معنی‌دار به‌منزله عواملی که در شکل دادن به رفتار آدمی مؤثرند، در نظر بگیریم (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۸). مطابق این دیدگاه فرهنگ پدیده‌ای اجتماعی و فراتر از ارزش‌های فردی است. فرهنگ ارزشی جامعوی داشته و دارای قدرت شکل‌دهی به رفتار است.

درواقع فرهنگ در این نگاه چیزی شبیه به ارزش‌های جمعی اجتماعی در نظر دورکیم است. جوهرهای بنیادین و نسبتاً بررسی‌نشده‌ای که عمل انسانی را برمی‌انگیزد. نظام‌های اجتماعی به‌وجود می‌آیند تا ارزش‌های اساسی خود را تحقق بخشند، و ارزش‌ها مبین آنند که چرا نقش‌آفرینان گوناگون، حتی در شرایط گوناگون، دست به انتخاب‌های مشابه می‌زنند (صالحی/امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۹). درواقع در نظر این تعاریف فرهنگ به‌عنوان ارزش نمادینی تلقی می‌شود که در دسترس عامه مردم قرار دارد و از طریق آن‌ها مردم به رفتارهای خود شکل می‌دهند. بسیاری از رفتارهای افراد بر اساس ارزش است یعنی انسان‌ها سعی می‌کنند آنچه که جامعه پیرامون آن‌ها به‌عنوان ارزش انتخاب و معرفی کرده است را در اعمال و کردار خود عملی سازند؛ بنابراین اولین دیدگاه به سؤال مطروحه (فرهنگ چگونه به رفتار شکل می‌دهد؟) چنین پاسخ می‌دهد که فرهنگ ارزشی شکل‌گرفته برای افراد است و آن‌ها را به‌عنوان یک سائق هدایت می‌کند. سائقی که همان باورهای جمعی اجتماع است. حتی در مواردی نیز با آنچه زیگموند فروید^۲ آن را فراخود می‌داند مقایسه شده؛ اما به‌عنوان یک فرا خود جمعی در نظر گرفته شده است (میلر و براویت، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۴). همان‌طور که فراخود بر خلاف امیال غریزی رفتارهای فردی را

-
1. American Anthropology
 2. Sigmund Freud

شکل می‌دهد و در بسیاری موارد می‌تواند هدایت‌کننده آن‌ها باشد (Freud, 1962, p.22-23)، فرهنگ نیز به‌عنوان فراخودی جمعی می‌تواند نقش‌آفرین برای جهت‌دهی به رفتارهای آدمی باشد؛ به‌عنوان مثال شخصی که بسیار گرسنه است و درمقابل یک نان فروشی خلوت ایستاده و هیچ‌کس نظاره‌گر وی نیست، در حال کشمکش بین غرایز و فراخود است و درنتیجه پیروزی هر کدام از آن‌ها رفتار وی شکل خواهد گرفت، حال فردی را تصور کنید که بعد از خرید در مرکز خرید بزرگ شهر، در حال خارج شدن از فروشگاه و درحالی‌که مقداری کاغذ و نایلون اضافی دارد و به‌شدت مزاحم وی است را در دست خود نگه می‌دارد تا آن‌ها را در محل مخصوص خود دور بریزد. به‌نظر می‌رسد در اینجا نیز فرهنگ جمعی به‌عنوان نقش‌کنترلی برای رفتار وی به‌عنوان یک هدایت‌کننده ایفای نقش می‌کند و از بروز یک ناهنجاری جلوگیری می‌کند؛ بنابراین برای درک عمل آدمی باید به محتوای فرهنگ‌ها توجه کامل و دقیق شود، که البته این موضوع نیازمند نظر کارشناسان و خبرگان این مبحث است. باید دید مردم چگونه (اغلب ناآگاهانه)، در اجرای سنت‌ها و شیوه‌های کار روزمره و مسلم فرض شده، از فرهنگ استفاده می‌کنند. مردم به‌گونه‌ای فعال‌تر، آگاهانه و حتی ستیزه‌جویانه نیز فرهنگ را به‌کار می‌برند (هال و جو نیتس، ۱۳۹۰، ص.۳۵۷). هنگامی که دختران درباره لباس مناسب با پدر یا مادرشان بگوگو می‌کنند، این گفتگو در مورد سلیقه، به‌طور ضمنی بر تأکیدهایی در مورد استقلال دختر از مادر و مشارکت در فرهنگ همسالانش نیز دلالت دارد (هال و جو نیتس، ۱۳۹۰، ص.۳۵۹). همچنین می‌توان حالاتی را در نظر داشت که فرهنگ جامعه یا گروه کوچکی که دختر در آن‌ها قرار دارد، به‌صورت ارزشی برای وی متجلی شود و او رفتارهای خود را بر اساس آن‌ها شکل دهد، در این حالات فرض‌های ناهنجاری می‌تواند قابل تصور باشد. مصادیق این فرض را می‌توان در نظریه خرده‌فرهنگ یا معاشرت‌های ترجیحی در مباحث جرم‌شناسی دنبال کرد.

تا اینجا مشخص شد که طبق این تحلیل چگونه فرهنگ رفتار آدمی را شکل می‌دهد؛ به‌عنوان مثال در مواردی که خرده‌فرهنگ به‌عنوان یکی از عوامل فرهنگی جرم‌زای معرفی شده، وجود دارد، این خرده‌فرهنگ می‌تواند ارزشی برای دارندگان آن تلقی شده و

رفتارهای آنها بر اساس این ارزش شکل بگیرد. سرقت به‌عنوان جرمی که اکثر قوانین به آن پرداخته‌اند دارای ابعاد اقتصادی و اجتماعی است؛ اما تصور این مطلب که فارغ از تمام مسائل نوجوانی بعد از دیدن فیلم رابین‌هود مرتکب سرقت شود پیچیده نیست (Presdee, 2005, p.18)، یا به‌عنوان نمونه مشابه می‌توان به فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی ایرانی با موضوع عیاران اشاره نمود.

گاهی نیز برخی جشن‌های فرهنگی مانند جشن آتش که حرکتی فرهنگی محسوب می‌شود، منجر به ارتکاب برخی جرائم می‌شود، جشن آتش در بریتانیا برگزار می‌شود و در آن مراسمی بر پا می‌شود، حال برخی از آتش‌افروزان هر ساله تعدادی خودرو را نیز در کنار این جشن به آتش می‌کشند و آن را جزء مراسم این جشن می‌دانند. در شمال غربی انگلستان نیز این جشن آثار مشابهی دارد به‌طوری‌که گزارش تایمز^۱ حدود سی هزار آتش‌افروز که غالباً از جوانان بودند در خلال این جشن در انگلستان و آمریکا به‌دلیل آتش‌افروزی غیرقانونی دستگیر شده‌اند (Presdee, 2005, p.22). همچنین نمونه این موارد در برخی از مراسم مذهبی انحرافی مانند قمه‌زنی، زخمی کردن کودکان و امثال آن می‌توان مشاهده کرد.

مثال‌های فوق بر اساس تحلیل فرهنگ به‌عنوان ارزش جمعی قابل توجیه است، به‌خصوص زمانی که خرده‌فرهنگ، جای فرهنگ ارزشی - با مفهوم مثبت - را گرفته و این خرده‌فرهنگ سائق رفتار می‌شود. درمقابل این تحلیل، اندیشمندان دیگری تحلیلی از زاویه دید دیگر در خصوص سازوکار تأثیرگذاری فرهنگ ارائه داده‌اند.

۴- فرهنگ به‌عنوان جعبه‌ابزار

برخی مانند سوئیلدر^۲ عقیده فوق را سنتی و ناقص می‌دانند. در این نظریه گفته می‌شود فرهنگ در شکل دادن به عمل از راه تأمین هدف‌های غایی یا ارزش‌هایی مؤثر است که عمل به آن‌ها، معطوف است. او مانند دیگر نظریه‌پردازان اخیر، بر اهمیت بررسی نمادهای گویا و معنی‌دار بیشتر صحنه می‌گذارد تا بر ارزش‌های موجود در جامعه‌شناسی فرهنگ.

1. The Times 27/4/99
2. Suelder

نظر سوئیڈر این است که فرهنگ را باید به‌منزله یک «جعبه ابزار» تلقی کرد، پس هر نوع تحلیلی از آن را باید بر «راهبردهای عمل» متمرکز کرد. در نظر وی فرهنگ به‌منزله یک ابزار عملی عمل می‌کند؛ اما نه در تعیین ارزش‌های ایدئال. یعنی در هر مورد بر اساس موقعیت ایجادشده، شخص رفتاری خاص را بر مبنای منافع که برایش وجود دارد انتخاب می‌کند (مال و جونیتس، ۱۳۹۰، ص. ۳۷۳). در این نگاه میان وضعیت‌های آرام و ناآرام نیز می‌توان تفکیک کرد، به‌طوری‌که در وضعیت‌های آرام ارزش‌های جمعی برای شکل‌دهی به رفتارهای فرد نیرومندتر از فرهنگ‌ها به‌عنوان ابزار هستند؛ مثلاً در یک مراسم مذهبی در شرایط آرام کلیسا همه بر اساس ارزش‌های مشترک عمل می‌کنند؛ اما در شرایط جنگ، فرهنگ احتکار کردن ممکن است به‌عنوان ابزاری به‌کار گرفته شود که به‌صورت موردی دارای نفع باشد، هرچند این نفع بر خلاف ارزش‌های جمعی باشد (مال و جونیتس، ۱۳۹۰، ص. ۳۷۳). در این نگاه هیچ ارزش والایی شکل نگرفته است و فرهنگ‌های متکثر هستند. فرد نیز حق یا به‌عبارت دقیق‌تر قدرت انتخاب دارد تا هر یک از آن‌ها را با توجه موقعیت خاصی که برای وی ایجاد شده است، برگزیند.

در این نگاه کالاها نیز می‌توانند به‌عنوان یک ابزار فرهنگی در نظر گرفته شوند. کالاهای مادی می‌توانند جنبه‌ای از فرهنگ باشند؛ اما فقط هنگامی که معنایی به آن‌ها نسبت داده شود (مال و جونیتس، ۱۳۹۰، ص. ۳۶۰). افراد از کالاهایی که معنی فرهنگی و یا خرده‌فرهنگی دارند می‌توانند برای بیان مقاصد یا رساندن پیام استفاده کنند؛ به‌عنوان مثال استفاده از سیگارهای بزرگ (سیگار برگ) در میان نوجوانان سیاه‌پوست کوبایی نشان‌دهنده استقلال و قدرت آن‌ها برای سایر همسالانشان است (karlamangla, 2010, p.4). حال هرچند داشتن سیگارهای برگ به‌عنوان یک ارزش نباشد؛ اما فرد برای کسب نفعی در شرایط خاص ممکن است به استفاده از آن روی آورد، هرچند خرده‌فرهنگی در کار نباشد. دادن جنبه‌های فرهنگی به کالاهایی از این دست می‌تواند دارای منافع اقتصادی برای گروه‌های صاحب سرمایه نیز باشد، به‌طوری‌که در بازه‌های زمانی مختلف، کالاهای خاص دارای ارزش شوند؛ به‌عنوان مثال در جریان انقلاب صنعتی عادت‌های مصرفی مردم نیز دچار تحول شد. افراد عادی و اعضای گروه‌ها از مصرف برای ابراز وجود به میزانی بسیار

بیش از آنچه قبلاً امکان‌پذیر بود استفاده می‌کردند. یکی از کلیدی‌ترین عوامل این تغییر تولیدکنندگان، آگهی‌دهندگان، و بازرگانان بودند (مال و جونیتس، ۱۳۹۰، ص. ۳۶۱). این تولیدکنندگان و آگهی‌دهندگان به تدریج فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی را در بین افراد جامعه رواج دادند و این امر نیز از عوامل جرم‌زای معرفی‌شده برای جرائم اقتصادی می‌باشد. ازجمله آثار زیان‌بار تجمل‌گرایی، انحطاط اجتماعی است؛ لذا در قرن نوزدهم با تحولات اقتصادی که ناشی از تبدیلات کشاورزی به صنعتی بود سطح زندگی مردم متحول گشت؛ اما پیشرفت اقتصاد صنعتی و اتفاق‌های تکمیلی آن، سبب افزایش بزهکاری شد. میل به تجمل و تهیه وسایل زندگی نوین و جدید، حرص اندوختن مال و ازدیاد ثروت و سرمایه، در افزایش جرائم مختلف مخصوصاً کلاهبرداری، جعل، صدور چک بی‌محل، سرقت وسایل نقلیه و جرائم تأثیر و ارتباط مستقیم دارد (دانش، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۵). مثال دیگری در این زمینه می‌توان ذکر کرد شیوع دادن مصرف سیگار توسط رسانه‌ها به‌طور غیرمستقیم در میان جوانان است. در تحقیقی که در سال ۲۰۱۰ در شهر برکلی ایالات کالیفرنیا ایالات متحده آمریکا انجام شد، این نتیجه به‌دست آمد که نیمی از ویدئو موزیک‌ها و موسیقی‌های پاپ دربردارنده محتویاتی هستند که به‌مصرف سیگار ارجاع می‌دهند، که در این میان ۳۰ درصد آن‌ها هیچ تصویر مستقیمی نیز از سیگار نشان نمی‌دهند. این پژوهش را یک روزنامه‌نگار آمریکایی در شهر برکلی انجام داده است (karlamangla, 2010, p.4) که مصرف سیگار در میان نوجوانان با به‌وجود آوردن خرده‌فرهنگ‌های نابه‌نجار همواره از عوامل جرم‌زا بوده است. در ایران شروع مصرف سیگار ۶/۱۶ می‌باشد (علی‌زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۸، ص. ۷۰) که با ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها در میان نوجوانان می‌تواند از عوامل جرم‌زا باشد. حال اگر مصرف سیگار تبدیل به مصرف مواد مخدر شود، علاوه بر اینکه خود این عمل دارای عنوان مجرمانه است، اعتیاد به مواد مخدر، خود از عوامل جرم‌زایی است که توسط بسیاری از منابع ذکر شده است. این کالاهای خود فرهنگ‌هایی ایجاد می‌کنند که فرد با آشنا شدن با آن به سمت آن فرهنگ سوق داده می‌شود؛ لذا گاهی نیز در برخی تحلیل‌ها فرهنگ‌ها به‌عنوان ارزش مشترک مورد وفاق عمومی اجتماع نیستند بلکه در جهت منافع فردی به‌عنوان یک ابزار

در نظر گرفته می‌شوند و کالاها نیز در ایجاد این نوع از فرهنگ‌ها نقش مؤثری دارند.

۵- رسانه^۱ به‌عنوان عامل فرهنگی ایجاد بزهکاری

رسانه در کل به‌عنوان یک فضای مشترک اجتماعی توصیف‌شده، جایی که ادراک‌ها، نگرش‌ها و باورهای ما گسترش‌یافته و به مذاکره گذارده می‌شوند. بررسی رسانه‌ها بحث ثابت تحقیقات جرم‌شناسی فرهنگی است. در رسانه، توافق‌های فرهنگی در ارتباط با عدالت، به‌طور اجتماعی هم‌ساختارریزی شده‌اند و به‌ویژه رسانه انتظارهای ما از عدالت و واکنش‌های مناسب به جرم را شکل می‌دهد. جرم‌شناسی فرهنگی که از حوزه‌های در حال پیشرفت جرم‌شناسی است، فیلم‌ها و سایر منابع رسانه‌ای را به‌عنوان محصولات فرهنگی‌ای می‌بیند که نگاهی بر این معانی به اشتراک گذاشته‌شده درباره جنایت، عدالت و مجازات را به‌وجود می‌آورد. رف تر^۲ خاطرنشان می‌سازد که فیلم‌های جنایی نه‌تنها نگرش‌ها و تنش‌های موجود در جامعه را منعکس می‌کنند بلکه شیوه تفکر ما در باره این مسائل را نیز شکل می‌دهند (Welsh and others, 2011. P.463).

رسانه‌های گروهی همچنین به‌عنوان جایگاهی به‌شمار می‌روند که از آنجا فرهنگ جریان می‌یابد و اشکال متفاوت هنری و سمبلیک ریشه دوانده و توسعه می‌یابند؛ دراین‌باره می‌توان گفت رسانه‌ها بر شیوه‌های رفتاری، سلیقه‌های عمومی و هنجارها در جامعه اثر می‌گذارند (Welsh and others, 2011. P.467).

ساختاری که رسانه برای جرم تدارک می‌بیند می‌تواند باور عمومی مردم را به این موضوع که ما مدام توسط شکارچیان قهار تحت خطر هستیم را بیشتر کند. چنین ساختاری از مشکلات جنایی نه‌تنها ترس عمومی را زیاد می‌کند بلکه بینندگان را به‌سمت انتقام‌جویی عدالت‌گونه و مجازات سوق می‌دهد. درمقابل، روایت‌های رسانه که بینندگان را در معرض ساختارهای واقع‌گرایانه از جرم و جنایت قرار می‌دهد می‌تواند با اشکال دیگری از عدالت مانند عدالت ترمیمی^۳ سازگارتر باشد. بااین‌حال تلاش‌های ناچیزی برای

1. Media
2. Rafter
3. Restorative justice

تحلیل نظام‌مند از ساختارهای جنایی، واکنش‌ها به جرائم و مدل‌های مختلف مشهودات کیفری در فیلم صورت گرفته است. درمقابل، بیشتر ادبیات به گفتمان‌های نظری یا تحقیقات در مورد فیلم یا ژانر خاص و تحلیل مجموعه‌های جنایی تلویزیون اختصاص یافته است (Welsh and others, 2011. P.464) و در بسیاری از مواقع نیز رسانه‌ها با توجه به نقشی که دارند در کاهش جرایم مؤثر دانسته شده‌اند (صالحی امیری، ۱۳۹۲، ص. ۲۵۰). در باب اینکه رسانه‌ها هنجار ساز هستند یا هنجارشکن دو دسته نظریه وجود دارد:

۵-۱- نظریه‌های خوش‌بینانه

این مجموعه از نظریه‌ها، رابطه میان رسانه‌ها در ایجاد همبستگی میان افراد پراکنده و متفرق در درون مخاطبان گسترده، یا مهاجرانی که به تازگی وارد مناطق شهری می‌شوند، ارزش‌ها، ایده‌ها، اطلاعات، ذهنیت و تصاویر مشترکی را درباره جهان و محیط اطراف، به آنان منتقل می‌سازند و از این طریق به یکپارچگی اجتماعی کمک می‌کنند، در نتیجه این نوع از نگاه به رسانه به هنجارسازی و فرهنگ‌سازی مثبت امیدوار است و آن را در جهت کاهش جرم مؤثر می‌داند (آجلویی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۴).

۵-۲- نظریه‌های بدبینانه

این دسته از نظریه‌ها رسانه‌های همگانی را عاملی در ایجاد مشکلات اجتماعی ناشی از گسترش سریع شهرنشینی، پویایی اجتماعی و تضعیف اجتماعات سنتی می‌دانند، به‌ویژه اینکه رسانه‌ها به مسائلی چون جابه‌جایی اجتماعی و افزایش رفتارهای غیراخلاقی در افراد، جرائم و بی‌نظمی اجتماعی مربوط می‌شوند. رسانه‌های گروهی غالباً فردی و غیرشخصی تصور می‌شوند و در عین حال ارزش‌های سنتی را در پیام‌گیرندگان تضعیف می‌کنند و در نتیجه سبب از میان رفتن کنترل اجتماعی و همبستگی می‌شوند (آجلویی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۴).

۶- رسانه‌ها و ارتباط آن‌ها با جرم

وسایل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، مطبوعات، سینما، ماهواره، اینترنت و ...) از جمله

عواملی است که در هدایت و بالعکس در گمراهی و انحراف افراد تأثیر دارد. در اهمیت این وسایل گفته شده است کسی که وسایل ارتباط جمعی در اختیار اوست قدرت و تسلط در اختیارش می‌باشد (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۱).

پل لازار سفلد^۱ می‌گوید: «ما از اثرهای رسانه‌ها در رفتار کودکان و سالمندان آگاهی اندکی داریم، ولی باوجود این عده‌ای از ناظران، روان‌پزشکان و مربیان معتقد هستند که بسیاری از برنامه‌های رسانه‌های جمعی اثر انکارناپذیری بر روی رفتار کودکان و سالمندان (از یادگیری گرفته تا انحرافات) به جای می‌گذارند» (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۱).

«هارولد لاسول» برای کارکرد رسانه چنین اعتقادی دارد که رسانه‌های جمعی باید به حفظ جامعه و همبستگی بین دامن‌های گوناگون آن در پاسخ به نیازهای واقعی، منتقل نمودن میراث فرهنگی بین نسل‌های مختلف کمک کند. «مرتن» و «لازارسفلد» که از اولین پژوهشگران این زمینه هستند، این تأثیرها را برای رسانه‌ها قائل شده‌اند: کار اخلاقی (حفاظت از هنجارهای اجتماعی)، دادن جایگاه اجتماعی به اشخاص و گروه‌ها (آشکار نمودن یا ارتقای پایگاه‌های آن‌ها از طریق معروفیت دادن به آنان) و برخی کارکرد و تأثیرهای نامطلوب دیگر (متمدن‌نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۲۹).

۷- تلفن همراه

در زمان حاضر، رشد رسانه‌ها و گوناگونی آنها موجب تحولات اساسی در وسایل ارتباطی و رسانه‌ها و نحوه انتقال پیام‌ها و داده‌ها در بستر آنها شده است که یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین این ابزارها که روزانه افراد با آن درگیر بوده و ساعت‌ها از آن استفاده می‌کنند، تلفن همراه است. به نظر محققان، هر پدیده اجتماعی در زمان حال، دارای آثار مثبت و منفی است. تلفن هوشمند همراه نیز به عنوان ابزار و رسانه‌ای جدید دارای کارکردهای گسترده‌ای در حوزه فرهنگ و به تبع آن در تمام زمینه‌های اجتماعی از قبیل اقتصاد، سیاست و ... است و با وجود کارکردهای مثبت و مفید، در بعضی موارد، دچار آثار منفی گوناگونی شده است. این آثار در نهایت به دخالت این وسیله در فرهنگ زندگی

1. Pol lazar Sfeld

جمعی و شخصی و روابط اجتماعی منجر خواهد شد (آجروبی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۴).
 کاربری‌های مثبت تلفن همراه که معمولاً در تحقیقات به آن‌ها اشاره شده است، عبارت‌اند از: دسترسی سریع به افرادی که نیاز ارتباط با آن‌ها وجود دارد، هزینه بسیار کم، صرفه‌جویی در وقت، سرگرمی، ایجاد پیام‌های نوشتاری و تصویری در دسترس و... امکان جستجوی منابع مختلف و یافتن پاسخ بسیاری از سؤالات با توجه به دسترسی به اینترنت، مکان‌یابی‌های برخط و از همه مهمتر برگزاری جلسه‌های مختلف در زمان بیماری‌های واگیر دار یا سایر بحران‌های محیطی.

از طرف‌دیگر کارکردهای منفی آن که باعث بروز نگرانی می‌شود: نفوذ در حریم خصوصی افراد، تنش و تشویش اذهان عمومی از طریق نشر و اشاعه اکاذیب^۱، تضعیف باورهای عمومی و اخلاقیات و... بوده است که گاهی اصلی‌ترین عامل آن فرهنگ غلط استفاده از تلفن همراه می‌باشد، درواقع تلفن همراه نیز می‌تواند با نظریه‌های ماتریالیستی فرهنگی و روابط شیء و فرهنگ تحلیل شود. اشیایی که با تزریق فرهنگی خاص به فرد رفتارهای وی را شکل می‌دهند و همان‌طور که توضیح داده خواهد شد این رفتارها ممکن است در دایره کج‌رفتاری‌ها واقع‌شده و در حله بعد در دایره حقوق کیفری و تعریف قانونی جرم واقع شود؛ مانند دریافت و ارسال پیام‌های معارض با اخلاق حسنه عمومی و عفت و ایجاد مزاحمت برای افراد. در کره جنوبی مسئولان راهکارهایی غیرکیفری را برای مبارزه با این معضل‌های تلفن هوشمند در نظر گرفته‌اند (کلانتری و حسنی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۳).

از دیگر آثار منفی قابل تأمل تلفن هوشمند و رسانه مرتبط با آن، می‌توان به ایجاد تعامل‌های مجازی به جای تعامل‌ها و دیدارهای حقیقی ایجاد کرد. دلایل ایجاد گفتگو و تشکیل جلسه‌های مجازی بین جوانان به جذابیت‌های این فضا بازمی‌گردد. کنشگری و فعالیت در این فضا دارای جذابیت‌هایی برای مدیران شبکه و گروه‌هاست چرا که جذب افراد باعث ایجاد اعتبار برای این مدیران می‌شود. این یک امتیاز برای فرستنده است، خصوصاً این موضوع در بین گروه‌های سنی جوان بیشتر شایع است (عاملی، ۱۳۸۵، ص. ۱۷). همچنین وجود حس‌هایی مانند کنجکاوی و علاقه به فضای نامحدود و سیر و

۱. اشاعه اکاذیب و نشر اکاذیب در قانون مجازات اسلامی ماده ۶۹۸ جرم است و دارای مجازات درجه شش.

سفر مجازی به تمام نقاط جهان و آگاهی یافتن از موضوع‌های مختلف باعث جذب هر فردی مخصوصاً جوانان به این فناوری می‌شود.

ادبیات شامل گفتار و نوشتار مخصوص این فضا خاص است. خاص بودن آن باعث شکستن اصول و قواعد زبانی شده که در مقوله فرهنگ دارای اهمیت است؛ اما از آن مهم‌تر ایجاد خرده‌فرهنگی است که در آن توهین و استفاده از الفاظ رکیک عادی‌سازی می‌شود و این ادبیات جذابیت قابل‌توجهی بین جوانان و نوجوانان دارد (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۱۷). در این مورد یک هم‌نشینی مجازی نیز رخ داده و تحلیل‌های نظریه هم‌نشینی افتراقی^۱ در این قسمت راهگشا است.

نقد امور سیاسی و اجتماعی با زبان طنز از رایج‌ترین محتوای رسانه تلفن همراه است. شاید بتوان ادعا نمود که در بین شبکه‌های اجتماعی پرتعدادترین محتوا، طنز است. طنز ریشه‌ای دیرینه در ادبیات و فرهنگ ایران دارد. رسانه تلفن هوشمند نوعی از این طنز را گسترش داده است و در آن بسیاری از ارزش‌ها زیر سؤال رفته و قواعد کلامی را شکسته و وارد حوزه دیگری از کلام شده است که ممکن است باعث ایجاد تنش‌های بین اقشار مختلف گردد یا حتی باعث توهین به گروه‌های مذهبی و قومی و اقلیت‌های کشور شود.^۲ در گذشته نه‌چندان دور که پیامک یکی از کارکردهای رسانه تلفن همراه بود بر اساس آمار منتشرشده توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، در حدود ۵۰ درصد پیامک‌ها در «ایران»، سرگرمی و لطیفه است (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۱۹). این آمار و حتی به‌نظر می‌رسد بیشتر از آن امروزه در قالب سایر پیام‌های ارسالی کاربران در شبکه‌های اینترنتی تلفن همراه است.

۱. در بین نظریه‌های جرم‌شناسی، هم‌نشینی‌های ترجیحی یا افتراقی در بین جوانان می‌تواند باعث بروز ناهنجاری یا هنجارشکنی شود که برخی از آنان ممکن است در قوانین جزایی عنوان جرم داشته باشد. تأکید می‌شود اولویت مقابله با این عوامل فرهنگی، استفاده از تدابیر غیرکیفری است.

۲. مطابق ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی توهین به ادیان و مذاهب و اقلیت‌های شناخته شده در قانون اسلامی ایران اگر با قصد ایجاد تنش یا علم به وقوع آن باشد، جرم شناخته شده و دارای مجازات است هرچند از طریق فضای مجازی باشد.

۸- شبکه‌های اجتماعی^۱

در فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان مدارس با محدودیت‌هایی همراه است. علاوه بر ایرادهای امنیتی وارده بر شبکه‌های اجتماعی که موضوع بحث ما نیست، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های مجازی برای کاربران این شبکه‌ها به‌عنوان تهدیدی برای نوجوانان و جوانان در نظر گرفته شده است (Fillietaz and Grogori, 2010, p.13)؛ به‌عنوان نمونه در تابستان سال ۱۳۹۰ حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر از نوجوانان و جوانان، با هماهنگی قبلی توسط شبکه‌های اجتماعی در پارک آب و آتش شهر تهران با استفاده از تفنگ‌های اسباب‌بازی اقدام به آب پاشیدن به یکدیگر و سرگرم ساختن خود به این نحو کرده بودند. این رفتار کم‌اهمیت (و البته غیرمتعارف) که فهم آن نیاز به پیچیدگی زیادی ندارد با انعکاس خبر آن و بزرگ‌نمایی در خصوص انگیزه‌های عاملان نسبت به آن واکنش نشان داده و با انتشار تصاویر آن‌ها، مورد نکوهش قرار گرفت. نمونه موردی فوق گواهی بر نقش رسانه‌ها و معانی رسانه‌ای شده در فهم ما از واقعیت جرم و کنترل آن دارد که تأثیرهای فرهنگ رسانه‌ای را مشاهده می‌کنیم. جرم‌شناسی فرهنگی سهم زیادی در دریافت‌ها و شناخت‌های مردم از جرم و واکنش‌های بالقوه آن‌ها به مرتکبان و نمایندگان این جرائم دارد (نکایی، ۱۳۹۱، ص ۱۵)؛ البته ممکن است این مسئله در کشورها و سایر فرهنگ‌ها هیچ انعکاس منفی نداشته باشد؛ اما به‌رحال این واقعه مطابق فرهنگ ایران نوعی ناهنجاری تلقی شد و منجر به دستگیری تعدادی از شرکت‌کنندگان در این جشن شد (خبرآنلاین، ۱۳ شهریور ۱۳۹۰).^۲

نوجوانان در مرحله شکل‌گیری شخصیت خود دچار نوعی تعارض محیطی به‌خصوص از جانب وسایل ارتباط جمعی‌اند. بروز این رفتار نوعی واکنش طبیعی و خودبه‌خودی محسوب می‌شود لیکن اگر خانواده، آموزش رسانه‌ای و کنترل روی نوجوان، هنگام استفاده از رسانه، نداشته باشد، ادراک تفاضلی نوجوان باعث گزینش پیام‌های خاصی از رسانه‌های تصویری می‌شود و نوجوانان تحت تأثیر قدرت الفبایی پیام‌های این ابزار دست به تقلید می‌زند؛ بنابراین، می‌توان گفت وسایل ارتباط جمعی در کنار سایر عوامل از

1. Social Networks

2. <http://www.khabaronline.ir/detail/171276>

موجبات تشدید گرایش‌های بزهکارانه در نوجوان می‌باشد. به عبارت دیگر این وسایل نقش مستقلى در ایفای جرم و یا افزایش آن نداشته ولی می‌تواند بستری فرهنگی را برای افراد دارای زمینه و مستعد برای ارتکاب جرم فراهم نماید.

هرچند مخاطره‌ها و تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی و رسانه مربوط به آن مطرح شد؛ اما باید توجه داشت، جرم‌شناسی فرهنگی راهی غیر از جرم‌انگاری را برای مقابله با این تهدیدها ارائه می‌دهد. درواقع در عدالت کیفری برخواسته از جرم‌شناسی مبارزه کیفری آخرین راه است و زمانی استفاده از ابزار کیفر مشروع و کارا است که سایر راه‌ها به کار بسته شده باشد. جرم‌شناسی فرهنگی در راستای اعمال سیاست جنایی سالم و پویا نمی‌توان مجوز جرم‌انگاری را به راحتی صادر نموده و صرفاً با کشاندن پای برخورد قضایی کیفری دست به کنترل زند. اولاً تمامی تهدیدهای ذکر شده ابتدا به شکل یک ناهنجاری بروز می‌یابد و در مراحل بعدی رشد فرد، به سمت رفتارهای خطرناکی که عنوان جرم می‌گیرند، پیش می‌رود و ثانیاً هر ابزار فرهنگی همان قدر که کارکرد مخاطره‌آمیز دارد، دارای کارکردهای مثبت نیز می‌باشد.

۹- تلویزیون و سینما

در ابتدا تلویزیون و سینما به عنوان وسیله‌ای تفریحی تلقی می‌شد. اریک فروم مهم‌ترین وسیله انتقال الگوی شخصیت مطلوب به مردم را فیلم و سینما می‌داند. در میان رسانه‌های جمعی فیلم‌های سینمایی به عنوان یک عامل انحراف مطرح شده است. فیلم‌هایی که بدون توجه به محاسن و معایب آن به همه خانه‌ها راه یافته و افراد بدون اینکه قدرت انتخابی داشته باشند، به تماشای آن می‌پردازند (محققان، ۱۳۸۱، صص. ۱۳۱-۱۳۲).

در سال‌های ۶۱-۱۹۶۰ طی بررسی که در غرب صورت گرفت، مشاهده شد که پس از نمایش هر فیلم و سترن از طریق سینما یا تلویزیون حوادث مشابهی نیز رخ می‌دهد. آنچه مشخص است اغلب منحرفان، بینندگان این برنامه‌ها بوده‌اند. باندورا^۱ (۱۹۷۳) نظریه پرداز یادگیری روان‌شناختی معتقد است که تلویزیون پرنفوذترین رسانه برای جوانان است و

1. Bandura

می‌تواند در آموزش شیوه‌های پرخاشگری و عادت به خشونت مؤثر باشد (محققان، ۱۳۸۱، صص. ۱۳۲-۱۳۳).

تحلیل یافته‌ها در ایران نشان می‌دهد فیلم و مجموعه تلویزیونی با ۶۴/۴٪ فراوانی، بیشترین وقت نوجوانان را پُر می‌کند. پس مسئولان با توجه به این امر می‌توانند پیام‌های تربیتی خود را در قبال این نوع برنامه‌ها پخش کرده و توسط فیلم‌ها به‌طور غیرمستقیم به تربیت و فرهنگ‌سازی بپردازند (آسیایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰). ناگفته نماند که در پژوهشی از کل جامعه آماری آن ۶۲/۳٪ برنامه‌های آموزشی و تربیتی فعلی را نگاه می‌کنند و طبق اظهارات خودشان این برنامه‌ها، ۵۹/۲٪ روی رفتارشان تأثیرگذار بوده است (آسیایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰).

وقتی رسانه‌ها جزئیات یک عمل مجرمانه را شرح می‌دهند، معمولاً اتفاق را بزرگ‌نمایی می‌کنند و نقل‌قول‌های مجرم را منتشر می‌کنند، افراد ضعیف و آماده بزهکاری را به‌عنوان عامل بالقوه جرم پرورش می‌دهند و عاملی برای تشویق آن‌ها به بارتکاب جرم می‌گردند. حتی از این طریق باعث حس قهرمان‌پروری در میان افراد ضعیف می‌شوند. جوانان و افراد ضعیف که دچار ناکامی در زندگی خود هستند و مورد تحقیر و آزار قرار گرفته‌اند، برای کسب شهرت و خروج از گمنامی با دیدن عکس‌ها و گزارش شرح‌حال مجرمان که همانند آن‌ها گمنام بوده، ولی بعد از ارتکاب جرم در کانون توجه قرار گرفته‌اند، گاهی تحریک می‌شوند تا دست به ارتکاب جرم زنند و آن‌ها نیز تبدیل به تیت‌ر رسانه‌ها گردند و از این طریق نام آن‌ها نیز مطرح شود. به‌همین جهت، برخی از این افراد به عمد مرتکب جرم می‌گردند و پس از ارتکاب جرم هیچ کوششی برای فرار از خود نشان نمی‌دهند تا دستگیر شوند تا به شهرت برسند (آبرلویی، ۱۳۹۱، صص. ۱۴۶-۱۴۷).

۱۰- مطبوعات، رادیو و موسیقی و سایر رسانه‌ها

داستان‌هایی که در کتاب‌ها و نشریه‌ها نوشته می‌شود، در پرورش و یا انحراف عمومی نقش مهمی ایفا می‌کند، خصوصاً اگر این نوشتارها در مطبوعات که همه‌روزه منتشر می‌شود، چاپ شود، اهمیت خاصی پیدا می‌کند. ساترلند و کرسی معتقدند: هنگامی که روزنامه‌ها اعلام می‌کنند فلان جنایتکار بدترین یا بهترین جنایتکار است، این عناوین باعث

می‌شود که منحرفان با این علائم خویشتن را تسکین دهند (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۵). لمبروزو می‌گوید: غالب مطبوعات آثار سوئی روی جرائم دارند. آن‌ها قلمشان را در زخم‌های اجتماعی آلوده می‌کنند و قصد آن‌ها سودپرستی است. همین‌ها هستند که کنجکاوی ناسالم طبقات پست اجتماع را با اشتباهی بد آن‌ها تحریک می‌کنند (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۶).

برداشت مردم از پلیس نیز توسط رسانه‌ها ایجاد می‌شود. این موضوع در روابط متهمان و مجرمان با پلیس حائز اهمیت خواهد بود. چرا که رفتار متهمان با پلیس و میزان مشارکت آن‌ها با این نیرو بر اساس برداشت و بینش ذهنی شکل‌گرفته‌ای است که آن‌ها از پلیس دارند که این بینش تا حد بسیار زیادی منطبق با تصویری است که تلویزیون از پلیس ارائه می‌دهد. در این راستا تحقیقی در کانادا بر روی ۳۱ متهم کانادایی صورت گرفته که بخش عمده آن‌ها همکاری‌های خود با پلیس را مبتنی بر برداشتی که از پلیس بر اساس تصویر ارائه‌شده از تلویزیون و مطبوعات داشته‌اند، انجام داده‌اند (Huey, 2010, pp.65-66).

نقش ستون حوادث و رسانه‌ها در کاهش احساس امنیت و ارتباط آن با افزایش ارتکاب جرم نیز در برخی منابع ذکر شده است. این موضوع از قرن نوزدهم بررسی شده و حتی تأثیر تئاترهای معروف آن زمان به عنوان یک عامل فرهنگی سوق‌دهنده به سمت ارتکاب جرم بررسی شده است (Kalifa, 2005, p.215).

راحتی حمل و نقل رادیو باعث شده که این وسیله در اکثر زمان‌ها و مکان‌ها در دسترس قرار گیرد. از طرف دیگر بر خلاف مطبوعات که تنها افراد باسواد آن را مطالعه می‌نمایند، اکثر مردم امکان گوش دادن به رادیو را دارند. در نتیجه رادیو اهمیت خاصی در رشد و شکوفایی اذهان ایفا می‌کند. اگر به کیفیت برنامه‌های رادیویی توجه نشود، این وسیله زمینه انحراف بسیاری از افراد را فراهم می‌آورد (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۶). جنبه تبلیغاتی این وسایل به قدری در افراد قوی است که اگر در کسی نفوذ کند، چه بسا مسیر فکری و زندگی او را تغییر دهد.

در برخی از موسیقی‌های غربی - مانند راک، هاردراک، هوی متال، جاز - که با رقص و پای‌کوبی جنون‌آمیز همراه است، دختران و پسران از خود بی‌خود شده و شرم و حیای آنان ریخته و دست به اعمال خلاف عرف و استفاده از مواد مخدر می‌زنند (محققان، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۷).

تعدادی از مطالعات نشان داده‌اند که تماشای خشونت رسانه‌ای و یا گوش دادن به موسیقی‌های خشن و یا درگیری با بازی‌های خشن رایانه‌ای در فرهنگ رشد کودکان تأثیر داشته و احتمال رفتارهای خشن را در آن‌ها را افزایش می‌دهد. در سال ۱۹۸۸ پژوهشی انجام‌شده که نشان می‌دهد میزان آسیب‌های روانی کودکان شامل اضطراب، افسردگی و فشار روحی آسیب‌زا به نسبت تعداد ساعات تماشای تلویزیون در هر روز افزایش یافته است (سیدزاده ثانی، ۱۳۹۲، ص. ۷۸۱). این مسئله زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که رسانه‌ها به صورت غیرمستقیم بر ناخودآگاه ذهن تأثیر گذارده و باعث شکل‌دهی رفتارهای آدمی می‌شوند.

۱۱- رسانه‌ها و نقش تربیتی و فرهنگی

نقش رسانه در ادراک‌ها و انتظارهای جامعه از جنایت و عدالت نباید دست‌کم گرفته شود. رسانه بستری است که واقعیت‌های اجتماعی نه تنها در آن منعکس می‌شود بلکه در آن گسترش می‌یابد. بدین صورت تأثیر رسانه بر افزایش دانش اجتماعی ما بر اساس جرائم، و مخصوصاً تصویر واکنش‌های اجتماعی به جرم و تأثیرهای آن روزبه‌روز در حال افزایش است. این ساختار فرهنگی ظرفیت ساخت اطلاعات غلط درباره ذات و علل جرم، و همین‌طور تقویت ایدئولوژی‌های حاکم درباره عدالت و مجازات را دارند (Huey, 2010, p.52)؛ لذا رسانه به عنوان یکی از ابزارهای تولید فرهنگ می‌تواند با تولیدهای کارشناسی‌شده به عنوان پُر توان‌ترین بلندگوی جامعه، نقش کلیدی ایفا نموده و بخشی از تولیدهای خود را در راستای ساخت فرهنگ‌های کنترلی جرم قرار دهد و مؤثرترین وسیله در مورد تولید فرهنگ‌های کنترل‌کننده جرم و پیشگیری‌کننده از آن باشد (Huey, 2010, p.52).

درمجموع با توجه به یافته‌های پژوهش و بررسی فرضیه‌های تحقیق و با امعان‌نظر به ادبیات نظری می‌توان گفت: رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون با محتوای اخبار امنیتی- انتظامی و حوادث جنایی در کاهش احساس امنیت مخاطبان خود تأثیر دارند؛ اما نظر به عقیده جامعه‌شناسان که هر پدیده مولود چند علت است و یک عامل، به‌تنهایی نمی‌تواند موجد و مولد آن باشد و به‌ویژه پدیده‌هایی که از طرفی با روان و از طرفی دیگر با نظام‌های

اجتماعی سروکار دارند، نتیجه عوامل و محرکات گوناگون هستند و با امعان نظر به این سخن جوزف کلپر که وسایل ارتباط جمعی معمولاً علت لازم و کافی در تأثیرپذیری مخاطبان نیست بلکه تأثیر از طریق شبکه‌ای از عوامل میانجی واقع می‌شود و با توجه به تازه‌ترین نظریه‌پردازی‌ها راجع به اثرهای ارتباط جمعی مبنی بر اینکه اثرهای ارتباط جمعی به صورت کلی رخ نمی‌دهد بلکه به متغیرهای دیگر بستگی دارند؛ بنابراین تأثیر و تأثر عوامل مختلف در احساس امنیت جامعه مورد مطالعه، نتیجه‌گیری قطعی را دشوار می‌سازد؛ با این حال می‌توان گفت تماشای برنامه‌های پلیسی و مصاحبه با مجرمان و همچنین توجه به اخبار امنیتی - انتظامی که از تلویزیون پخش می‌گردد یکی از عوامل مؤثر در کاهش احساس امنیت مخاطبان می‌باشند (دهرویه، ۱۳۸۸، ص. ۷۹).

در عصر حاضر مهم‌ترین ابزار فعالیت‌های فرهنگی، رسانه‌های گروهی است که اتفاقاً نقش آن در پیشگیری از جرم، مورد تصریح جرم‌شناسان و حقوق‌دانان قرار گرفته است (آجرلویی، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۴). در کارگاه آموزشی رسانه‌های گروهی و پیشگیری از جرم که طی کنگره نهم سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و نحوه رفتار با مجرمان تشکیل شد، بر اساس مواردی که به آن ارائه شده است رسانه‌های گروهی را مهمترین عوامل پیشگیری از انحراف‌ها در زمینه‌های فرهنگی می‌داند و در کشورهای مختلف تجربه‌های زیادی از این نوع پیشگیری دیده می‌شود. آنتیا آناند در مقاله‌ای با عنوان «جرائم علیه زنان»، به نقش مهم رسانه‌های کشور هند در معرفی حقوق زن و آگاهی‌بخشی در خصوص آن پرداخته است. آگاهی دادن به جامعه در مورد جرائم علیه زنان و کودکان و جلب توجه افراد در قالب گروه‌های جهانی از جمله این تجربه‌هاست (معمدینژاد، ۱۳۹۱، ص. ۵۷). جانی توکولا کارگردان برنامه «پلیس - تلویزیون» شبکه ۲ تلویزیون فنلاند نیز در مورد آن برنامه توضیح‌هایی داد و به گفته وی در این برنامه از قدرت نمایش‌های تلویزیونی به عنوان ابزاری برای کمک به عدالت کیفری و پیشگیری از جرم استفاده می‌شود و اولین برنامه تلویزیونی در تمام کشورهای اسکاندیناوی است که به اطلاع‌رسانی منظم در خصوص جرائم، تعقیب متهمان و حقوق قربانیان آن‌ها می‌پردازد (معمدینژاد، ۱۳۹۱، ص. ۵۸).

قانون اساسی ایران به عنوان سند بالادستی وظایف فرهنگی مهمی را برای قوای حاکمه

و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران تعیین نموده است. مطابق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان است. در این راستا و در جهت تقارن با سیاست‌های سازمان صداوسیما و نیز مطبوعات و سایر رسانه‌ها، قوه قضائیه از این وظیفه قانونی می‌تواند استفاده کند. مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران موظف است در جهت «نشر افکار با رعایت موازین اسلام و مصحلت کشور» فعالیت نماید. نشر افکار همان ایجاد فرهنگ است که هم با تحلیل اول یعنی فرهنگ به عنوان ارزش جمعی و هم با تحلیل دوم یعنی فرهنگ به عنوان ابزار تطابق دارد. همچنین شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهد داشت، تشکیل می‌شود که در راستای هماهنگ‌سازی برنامه‌های فرهنگی می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند.

نتیجه‌گیری

فرهنگ به عنوان یکی از مهمترین سائق‌های رفتار آدمی گاهی به عنوان ارزش جمعی و گاهی به عنوان انتخاب فردی، شکل‌دهنده رفتار آدمی است. بدیهی است وجود خرده‌فرهنگ‌های مخرب و آسیب‌زا باعث بروز انحرافات می‌شود. وسایل و ابزارهای تولید فرهنگ متعدد هستند که رسانه به عنوان یکی از قوی‌ترین و فراگیرترین ابزارهای تولید، حذف یا تغییر فرهنگ است. فرهنگ مفهومی سیال و متغیر است و نمی‌توان با مبارزه کیفری با معضله‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌های جرم‌زا لزوماً با برخورد کیفری به مبارزه برخاست. سیاست جنایی برای مقابله با بزهکاری مجموعه‌ای از مقابله‌ها و تدابیر مختلف را پیشنهاد می‌دهد که تنها بخشی از آن ابزار کیفری است.

تلفن همراه و سایر رسانه‌های دنیای امروز را نمی‌توان بی‌خطر دانست و بر اساس تحقیقات گوناگون جرم‌زا بودن آنها امری مسلم است. از طرف دیگر رها کردن و برنامه نداشتن برای آن نیز باعث ورود مجرمان خطرناک به این دنیا شده و این ابزار مورد سوءاستفاده تبهکاران خطرناک واقع خواهد شد؛ بنابراین در سطوح ابتدایی با پرهیز از جرم‌انگاری باید به دنبال به کار بستن سایر راه‌های مقابله بود و در سطوح بعدی کنترل و

محدودسازی تخلف‌های واضح مانند موارد مربوط به پورنوگرافی، جرایم مربوط به تشویش اذهان عمومی و دعوت به ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز و منافعی عفت که در قانون جرایم رایانه نیز در بند ب ماده ۱۵ جرم‌انگاری شده است از اصول اولیه و مسلم است. شکل و شیوه و موارد این مبارزه موضوع پژوهش حاضر نیست و تحقیقات خاص خود را می‌طلبد. در این پژوهش بر این بودیم تا با استفاده از مبانی شناخت رفتار بر اساس فرهنگ تحلیل شکل‌گیری رفتار را ارائه دهیم.

همان‌طور که رسانه‌ها و شبکه‌های تلفن همراه ابزار تولید و تغییر فرهنگ هستند و همواره مخاطره‌هایی در فراگیر شدن آن‌ها نزد جوانان وجود دارد، به همان اندازه می‌تواند بر اساس سیاست‌های صحیح فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد و در راستای پیشگیری از آن بهره‌وری گردد. قانون اساسی ایران ظرفیت قانونی لازم را در ساختار اصلی کشور برای این امر را در نظر گرفته است.

منابع و مأخذ

- آجلویی، محمود (۱۳۹۱). نقش رسانه‌های گروهی در پیشگیری از جرایم، فصلنامه پیشگیری از جرم، ش ۲۲، صص. ۱۲۹-۱۵۲.
- آسیایی، رویا (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناسانه جرم در مطبوعات، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، ش ۱، صص. ۱۱۱-۱۳۰.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۸۴). مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست، تهران: انتشارات کیهان.
- دهرویه، محمد (۱۳۸۸). تأثیر رسانه‌ها بر احساس امنیت، مطالعه موردی در شهر تهران با تأکید بر فعالیت‌های پلیسی، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، دوره چهارم، ش ۱۲، صص. ۵۵-۸۲.
- نکایی، محمدسعید (۱۳۹۱). جرم‌شناسی فرهنگی و مسئله جوانان، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۵.
- سیدزاده‌ثانی، سیدمهدی (۱۳۹۲). بررسی جرم‌شناختی جرائم تقلیدی، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، تهران: انتشارات میزان.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی فرهنگی در ایران*. تهران: انتشارات ققنوس.

صالحی امیری، سیدرضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹). *دیپلماسی فرهنگی*. تهران: انتشارات ققنوس.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۵). *فردگرایی جدید و تلفن همراه: تکنولوژی فردگرایی و هویت*. مجله جهانی رسانه، ش ۱، صص. ۵-۲۳.

علی‌زاده محمدی، علی و احمدآبادی، زهره (۱۳۸۸). بررسی رفتارهای پرخطر میان نوجوانان، راهکارهایی برای پیشگیری در محیط خانواده، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، دوره پنجم، ش ۲۰، صص. ۴۶۷-۴۷۵.

کلانتری، عبدالحسین و حسینی، حسین (۱۳۸۷). رسانه‌های نوین و زندگی روزمره: تأثیر تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان، *نشریه رسانه*، ش ۷۶، صص. ۱۱۹-۱۳۶.

محققیان، زهرا (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی انحرافات*، قم: انتشارات پرتو خورشید.
معتدنازاد، کاظم (۱۳۹۱). *وسایل ارتباط جمعی*، ویرایش دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

میلنر، آندرو و براویت، جف (۱۳۹۰). *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*. ترجمه جمال محمدی. تهران: انتشارات ققنوس.

هال، جان آر و جو نیتس، مری (۱۳۹۰). *فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناختی*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات سروش.

Ferrell, Jeff and Sanders, C. R. (1995), *Cultural Criminology*, Boston, Northeast University Press.

Ferrell, Jeff (2010), *Cultural Criminology: The Loose Cannon*, The SAGE Handbook of Criminological Theory; pp.303-316.

Fillietaz, François and Gregori Marco (2010), *Comprendre les réseaux sociaux numériques*, Genève: (DSI-SEM).

Freud, Sigmund (1962), *The Ego and The Id*, Translated by Joan Riviere, New York and London: W. W. Norton & Company, Inc.

Huye, Laura (2010), 'I've seen this on CSI': *Criminal investigators' perceptions about the management of public expectation in the field*, Crime, Media Culture (CMC), 6: 49, pp. 49-68.

Kalifa, Dominique (2005), *crime et culture au XIX^e siècle*, Paris: Bibliothèque Numérique Perrin (epub).

- Karlamangla, Soumya (2010), *Study: Pop Culture References May Lead Youth to Smoke*, The Daily Californian, 15 septembre.
- Muncie, John and McLaughlin Eugene (2001), *The Sage Dictionary of Criminology*, London: SAGE Publication.
- Presdee, Mike (2005), *Cultural criminology and the carnival of crime*, Taylor and Francis (Routledge), London (eBook).
- Spencer-Oatey, Helen (2021), *what is culture?*, A compilation of quotations. GlobalPAD Core Concepts. Available at GlobalPAD Open House:
<http://www2.warwick.ac.uk/fac/soc/al/globalpad/interculturalalskills/>
- Welsh, Andrew and Fleming, Thomas and Dowler Kenneth (2011), *constructing crime and justice on film: meaning and message in cinema*, Contemporary Justice Review, Vol. 14, No. 4, 457-4.